

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشکده سینما - تئاتر

پایان نامه تحصیلی جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته سینما

### عنوان

نقش تحولات اجتماعی بر بازنمایی خانواده در سینمای معاصر  
ایران (با تاکید بر فیلم های اصغر فرهادی و رسول صدرعاملی)

استاد راهنما

دکتر حمید دهقان پور

عنوان بخش عملی

فیلم کافی شاپ

استاد راهنمای بخش عملی

دکتر حمید دهقان پور

نگارش و تمقیق

مجتبی باحشمت

شهریور ۱۳۹۱

## چکیده

ابتدا به بررسی خانواده و نسبت اش با اجتماع و جامعه در جامعه شناسی می پردازیم. برای ورود به بحث، از نظریات آنتونی گیدنز-جامعه شناس بزرگ- کمک می گیریم و در نظریات او به لایه مختلف خانواده در جامعه می نگریم.

سپس نگاه گذرای نقادانه ای بر آرای گیدنز بنابر نظریات جان برناردز و کتاب اخلاق ناصری خواجه نصیرالدین طوسی می اندازیم تا مسئله ی خانواده، ارتباط زن و مرد، ازدواج و اجتماع در ابتدای پایان نامه ی حاضر، مبسوط تر و دقیق تر پرداخت شود.

بعد از این به آسیب شناسی نظام خانواده در ایران می پردازیم: مسائب زناشویی و شکاف نسل ها و مخاطرات جنسی و اقتصاد خانواده و هویت ملی مذهبی و...

پس از گذر از رویکرد جامعه شناسیک، در بستر علم روانکاوی به خانواده نگاهی می اندازیم. در این بخش، از نظریات روانکاو شهیر، کارل گوستاو یونگ-کاشف ضمیر ناخودآگاه جمعی بشر- کمک می گیریم. یونگ در مقاله ی زن اروپایی، پیشگویانه، معضلات امروز خانواده و زن در جامعه را پیش بینی می کند.

بعد از اینهاست که به سینمای اجتماعی ایران می رسیم. که ابتدائاً با نگاهی تاریخی-تحلیلی آن را مرور می کنیم و فراز و نشیب ها و تحول ها و موانع و رکود و بالندگی ها بازگو می شود. سپس، مروری کوتاه بر ساز و کار سانسور و ممیزی در سینمای پس انقلاب را می خوانیم که ریشه های این رویه را در سینمای قبل از انقلاب تشخیص می دهد و بعد، از تاثیر سانسور بر سینما و تاریخچه ی گذرای آن در ایران می گوید. و البته از آن فیلم ها که تیغ سانسور در رفته اند هم یاد می شود.

زن در سینمای پس انقلاب، قهرمان واقعی این هنر-صنعت است. زیرا همچون قهرمانان اسطوره ای، از بندها و هزارتوها خود را می رهاوند و با طی مسیری پر التهاب و درگیر کننده به جایگاهی می رسد که می تواند در سینمای بی قید امروز جهان، ادبیات منحصر بفرد خودش را داشته باشد. پس ریشه های این قهرمانی و به ثمر رسیدن سیما و سینمای زن و زنان را بررسی می کنیم.

در سینمای موفق اجتماعی، آنچه وضوح دارد؛ میزان تاثر از اجتماع و تاثیر بر همان اجتماع است. در پایان، سینمای دو فیلمساز نمونه ی این سالها در سینمای اجتماعی ایران(اصغر فرهادی و رسول صدرعاملی) مورد بررسی قرار می گیرند.

## کلید واژه ها :

خانواده- روانکاوی- جامعه شناسی- سینما- ژانر اجتماعی

## فصل اول

- ۳..... خانواده از نظر آنتونی گیدنز.....
- ۴..... تک همسری و چند همسری .....
- ۵..... تحول زندگی خانوادگی.....
- ۶..... خانواده در قرون وسطا.....
- ۷..... عوامل موثر بر خانواده و ازدواج در عصر حاضر .....
- ۷..... طلاق .....
- ۹..... جایگزین های ازدواج و خانواده.....
- ۱۰..... زوال خانواده.....
- ۱۰..... بررسی آراء گیدنز در باب خانواده بنا بر نظریات جان بر نادرز و اخلاق ناصری .....
- ۱۵..... آسیب شناسی نظام خانواده در ایران .....
- ۱۸..... نکاتی در باره آسیب شناسی مسائل زناشویی.....
- ۲۰..... شکاف نسل ها .....
- ۲۱..... اقتصاد خانواده.....
- ۲۱..... مخاطرات جنسی.....
- ۲۲..... هویت ملی و مذهبی.....

## فصل دوم

- ۲۳..... کارول گوستاو یونگ و خانواده.
- ۲۴..... گم دن مفاهیم مردانگی و زنانگی.
- ۲۶..... آگاهی زن نسبت به نیاز عاطفی اش.
- ۲۸..... بررسی روانکاوانه صرف در مورد خانواده.
- ۳۰..... تبدیل تعهد های اخلاقی به تعهد های قانونی.
- ۳۱..... اهمیت یافتن بیش از حد روابط جنسی.
- ۳۲..... تاخیر در ازدواج ها.
- ۳۲..... گسترش نفوذ فرهنگی.
- ۳۵..... گسترش ارتباط.
- ۳۶..... مرد سالاری فرهنگی و تحقیر کار های زنانه.
- ۳۷..... جذاب شدن دنیای بیرون خانه.

## فصل سوم

- ۳۸..... سینمای اجتماعی
- ۳۹..... سینمای اجتماعی ایران
- ۴۷..... نگاهی گذرا به فیلم های اجتماعی قبل از انقلاب
- ۴۹..... مروری کوتاه بر ساز و کار ممیزی در سینمای پس از انقلاب
- ۵۷..... زن در سینمای پس از انقلاب
- ۶۳..... ایران، سینما و زنان
- ۶۸..... نگاه اصغر فرهادی به اجتماع در فیلم هایش
- ۷۶..... نقد روانکاوی فیلم جدایی نادر از سیمین
- ۸۱..... رسول صدر عاملی بعنوان فیلم ساز شاخص سینمای اجتماعی
- ۸۵..... نتیجه گیری

## مقدمه:

اساس هر جامعه ای افراد آن جامعه هستند که کوچکترین واحد آن جامعه یعنی خانواده را تشکیل می دهند. خانواده اولین سنگ بنای یک جامعه است. همه چیز از خانواده شروع می شود. هر یک از ما به هر طریقی عضوی از یک خانواده هستیم. می توانیم فرزند، خواهر، برادر، پدر یا مادر باشیم. از طرف دیگر عضوی از جامعه و من به عنوان یک فرد حلقه ای هستیم بین جامعه و خانواده. با تربیت فرزندان همه ی سرمایه های فرهنگی، آموخته های اجتماعی و کوله بار زندگی ام را به جامعه منتقل می کنم. از جامعه بسیاری توشه ها می گیرم و به فرزندانم برمی گردانم. اگر با نگاهی واقع بینانه به آشفتگی های دور و برمان بنگریم ناگزیر از آنیم که ساختار و وضعیت خانواده را به معنای خشت اولیه و زیر بنای جامعه و فرهنگ امروزی مورد بررسی قرار دهیم. زیرا به خوبی می بینیم همه ی در هم ریختگی ها از خانواده، از محلی که هر فرد در آن پرورش می یابد و آموخته هایش را به مناسبات روابط اجتماعی منتقل می کند، منشا می گیرد و پاسخ تمامی پرسش های اجتماعی، سیاسی، تربیتی و انسانی را می توان در خانواده یافت. تأثیرات متقابل خانواده و اجتماع را به هیچ عنوان نمی توان نادیده گرفت. باید بررسی کرد که این تأثیرات متقابل چگونه می تواند باشد و از کجا نشأت می گیرد و در دوره های مختلف تاریخی این تأثیرات چگونه نمایان شده و اینکه چگونه به فضای هنری رسوخ کرده و در این تأثیرات سهم سینما چقدر بوده است و تأثیرات سینما بر اجتماع و خانواده چگونه بوده؟ در این بررسی، جایگاه علومی مثل روانکاوی و روانشناسی و جامعه شناسی غیرقابل انکار است.

# فصل اول

خانواده و جامعه شناسی



خانواده و جامعه شناسی:

## خانواده از نظر آنتونی گیدنز Anthony Giddens

در حالت کلی دو نوع خانواده را معرفی می کند؛

۱. هسته ای ۲. خانواده گسترده

خانواده هسته ای شامل ۲ بزرگسال است که با هم در خانواده با فرزندان خود یا کودکانی که به فرزندی پذیرفته شده اند زندگی می کنند.

خانواده ی گسترده ؛ می توان مرکب از سه نسل یا بیشتر دانست که یا در یک مسکن و یا در نزدیکی یکدیگر زندگی می کنند.

خانواده خواه هسته ای باشد یا گسترده آن ها را می توان به خانواده های:

۱. راهیابی : خانواده ایی که شخص در آن متولد می شود.

۲. فرزندزایی : خانواده ایی که فرد به عنوان بزرگسال به آن وارد می شود و نسل جدیدی از کودکان در آن پرورش می یابد.

تقسیم کرد.

گیدنز ، یک دسته بندی دیگر هم از خانواده ارائه می دهد که ، از نظر محل اقامت با هم متفاوت هستند؛ ۱. خانواده ی پدر بومی، هنگامی که زوج متاهل در نزدیکی پدر و مادر داماد یا با آن ها زندگی می کنند.

۲. خانواده مادر بومی، هنگامی که زوج متاهل در نزدیکی پدر و مادر عروس یا با آن ها زندگی می کنند.

## تک همسری و چند همسری؛

در بحث سبک های ازدواج تک همسری و چند همسری را مطرح می کند؛ می گوید : مرد و زن در اروپا قانونا نمی توانند در یک زمان با بیش از یک نفر ازدواج کنند و در مقابل چند همسری را این گونه توصیف می کند که ازدواجی که اجازه می دهد شوهر یا زن بیش از یک همسر داشته باشند و ۲ نوع چند همسری وجود دارد از نظر گیدنز:

۱. چندی زنی ، یک مرد می تواند در یک زمان با بیش از یک زن ازدواج کند.
  ۲. چند شوهری ، یک زن می تواند به طور همزمان دو شوهر یا بیشتر داشته باشد. گیدنز می گوید که این نوع چند همسری بسیار کمتر معمول است.
- در بحث ازدواج به سبک چند همسری از نوع یا به شکل چند زنی؛ بیشتر در میان مردانی است که دارای منزلت والایی هستند.
- بحث درباره خانواده و ازدواج در تاریخ اروپا:

پیش از صنعتی شدن ؛ خانواده دارای یک سری ویژگی هایی بوده از جمله:

۱. بیشتر خانواده ها واحد تولید بودند. ۲. به صنایع دستی و کشاورزی اشتغال داشتند. ۳. در انتخاب همسر معمولا عشق و محبت نقش تعیین کننده نداشت بلکه منافع اجتماعی و اقتصادی نقش اساسی داشت . ۴. روابط جنسی پیش از ازدواج و خارج از زناشویی در بسیاری از نواحی اروپای قرون وسطی در میان مردم فقیر و ثروتمند معمول بود و در بعضی مناطق مرد مجاز بود توانایی فرزندزایی همسر آینده را امتحان کند. ۵. شکل متداول خانواده گسترده بوده است.

## تحول زندگی خانوادگی؛

گیدنز در کتاب مبانی جامعه شناسی از شخصی به نام stone نام می برد که از مورخین به نام بوده و سه مرحله ی اصلی در تحول خانواده تشخیص داده است.

۱. از دهه ۱۵۰۰ تا دهه ۱۸۰۰

۱. شکل مسلط خانواده در اوایل این دوره و صدها سال پیش از آن خانواده دودمانی بوده است که نوعی خانواده ی هسته ای بود که در خانه نسبتاً کوچکی زندگی می کردند در این نوع خانواده کانون اصلی دلبستگی عاطفی و وابستگی برای اعضایش نبوده و افراد از محبت های عاطفی که ما امروزه جزء زندگی خانوادگی می دانیم بهره مند نبودند و یا در جستجوی آن نبودند و خانواده در طی این دوره در برابر حمایت، راهنمایی، تحقیق و مداخله از خارج، از جانب همسایگان و خویشاوندان باز بود و هیچ مطلب خصوصی و محرمانه داخلی وجود نداشت بنابراین خانواده نهادی باز، رام شده و مطیع، غیر عاطفی و اقتدارگرا بود. خانواده در این دوره بسیار بی دوام و زودگذر بوده است و غالباً با مرگ شوهر یا زن یا مرگ کودکان از هم می پاشید.

۲. خانواده دودمانی باز جای خود را به خانواده پدرسالاری محدود می دهد؛ که از اوایل قرن شانزدهم تا آغاز قرن ۱۸ ام دوام یافت، این شکل خانواده که تا اندازه ی زیادی به طبقات بالای جامعه محدود می گردید در این خانواده تاکید زیادی بر عشق در روابط زناشویی همراه بود و قدرت اقتدارگرایانه پدران نیز افزایش یافت و این خانواده از نوع هسته ایی بوده است.

۳. خانواده هسته ای محدود ، در این نوع خانواده تمام وجود خود را به پرورش کودکان مطوف می سازد این نوع خانواده در قرن بیستم وجود دارد. خانواده هسته ای محدود با ظهور فردگرایی عاطفی ، تشیل پیوندهای زناشویی بر پایه گزینش شخصی است این خانواده در ابتدا در میان گروه های مرفه تر پدید آمد به تدریج با گسترش صنعتی شدن در کشورهای غربی کم و بیش محوریت پیدا کرد.

## منشا تغییرات

### گیدنز بیان می کند که خانواده در قرون وسطی:

۱. کانون اصلی تولید کالا و خدمات بوده و بیشتر نیاز اعضایش را تولید می کرد و زنان علاوه بر مسئولیت پرورش کودکان نقش اقتصادی مهمی در خانواده داشتند، اما از قرون هفدهم در اروپا و اندکی دیرتر در آمریکا ما شاهد تغییراتی در خانواده هستیم و خانواده دیگر یک واحد تولید نبود و محل کار از خانه جد شد. منشا این تغییرات را تاثیر صنعت و زندگی شهری می داند و می گوید این امر باعث ایجاد خانواده های هسته ای و از هم پاشیدن شدن خانواده گسترده شد.

## راستای تغییرات

گیدنز بعد از این که از منشا تغییرات در خانواده صحبت می کند این مسئله را بیان می کند که حالا چه تغییراتی در خانواده ایجاد شده است؟

۱. گروه های خویشاوندی و خانواده نفوذ خود را از دست داده اند.

۲. انتخاب همسر به صورت انتخاب آزادانه شده است.

۳. حقوق زنان هم از نظر: ۱. انتخاب در ازواج و ۲. تصمیم گیری در خانواده بیش از پیش به رسمیت شناخته شد.

او معتقد است که اشتغال زنان خارج از خانه افزایش یافته و در مورد طلاق هم می گوید در گذشته فقط کافی بود در حضور شهود مرد به زن می گفت که دیگر او را نمی خواهد و اختیار کامل طلاق همسرانشان را داشتند اما امروز شاهد حق طلاق برای زنان و حقوق مساوی در مورد طلاق هستیم.

۴. گسترش حقوق کودکان

۵. آزادی جنسی: در جوامعی که بسیار سختگیر بودند آزادی جنسی بیشتر رواج یافت البته انقلاب اسلامی ایران را به عنوان استثناء معرفی می کند. که مقامات مسئول ایران درصدد آمدند بعد از انقلاب قوانین و رسومی را که آزادی جنسی را محدود می سازد احیا کنند.

## عوامل موثر بر خانواده ؛ و ازدواج در عصر حاضر

۱. یکی از مهم ترین عوامل موثر بر زندگی خانوادگی در عصر حاضر، تعداد زیان زنان متأهل است که تاکنون به کارمزد بگیری اشتغال دارند بعد از جنگ جهانی دوم به تعداد آنها اضافه شد و به نحو چشم گیری این افزایش به ایجاد تغییرات در الگوهای خانوادگی کمک کرده است. اگر چه زنان مشاغل مزد بگیر اکثرا در مشاغل پائین تری نسبت به شوهرانشان قرار دارند اما بیشتر از زنان خانه دار تمام وقت استقلال اقتصادی دارند حالا بحث این که این اشتغال زنان خارج خانه و استقلال اقتصادی شان چه تغییرات و تحولاتی را در نقش های مربوط به زنان و مردان را در خانه به دنبال دارد به گیدنز می گوید:

۱. حتی زنانی که دارای مشاغلی با حقوق خوب و منزلت بالا هستند، هنوز تا اندازه ی زیادی در خانه هایشان به عنوان زن خانه دار و مادر در نظر گرفته می شوند.

۲. در زمین هاعمال قدرت و در زمینه اقتصادی ، تا حد زیادی باز به نع مردان است معتقد است که اگر چه تغییراتی در این زمینه ها در حال شکل گرفتن است اما به کندی در حال تغییر است.

### طلاق

گیدنز معتقد است که در عصر حاضر شاهد گسترش طلاق در جوامع امروزی هستیم و این سؤال را مطرح می کند دلیل این افزایش در چیست؟ چرا طلاق در عصر حاضر افزایش یافته است. او می گوید:

۱. امروزه به استثنای نسبت اندکی از افراد ثروتمند، ازدواج دیگر ارتباط چندانی با میل به تداوم دارایی و منزلت از نسلی به نسل دیگر ندارد. و به تدریج که زنان از نظر اقتصادی استقلال بیشتری پیدا می کنند ازدواج کمتر یک مشارکت ضروری اقتصادی مانند گذشته است. و به طور کلی رفاه بیشتر به این معنا است که در صورت نارضایتی از زناشویی، اکنون آسان تر از آنچه در گذشته ممکن بود می توان خانه جداگانه ایی تشکیل داد و این واقعیت که اکنون داغ بدنامی به طلاق زده نمی شود تا اندازه ای نتیجه ی این تحولات است اما در عین حال بر شتاب آن هم می افزاید.

۲. عامل مهم دیگر گرایش فزاینده به ارزیابی ازدواج بر حسب میزان ارضای شخصی ای است که فراهم می کند ، گیدنز معتقد است که افزایش طلاق به نظر نمی رسد نشان دهنده نارضایتی عمیق نسبت به خود ازدواج باشد، بلکه نشانه عزم بیشتر برای تبدیل ازدواج به رابطه ثمربخش و ارضاء کننده است.

## اثرات طلاق

### طلاق و کودکان

۱. کودکانی که والدین آن‌ها از جدا شدن اغلب از اضطراب عاطفی آشکار رنج می‌برند سردرگم و وحشت زده می‌شوند و معمولاً خود را به خاطر جدایی پدر و مادرشان مقصر می‌دانند کودکان بزرگتر انگیزه‌های پدر و مادرشان را برای طلاق بهتر می‌توانند درک کنند اما اغلب عمیقاً نگران اثرات آن بر آینده‌ی خود هستند و غالباً هم خشم شدیدی را نشان می‌دهند.

### رویه تاریک خانواده

گیدنز معتقد است؛ از آن‌جا که روابط خانوادگی و خویشاوندی جزئی از وجود هر کس را تشکیل می‌دهد و زندگی خانوادگی عملاً کلیه انواع تجربه عاطفی را در بر می‌گیرد روابط خانوادگی میان زن و شوهر، پدر و مادر و فرزندان، برادران و خواهران یا میان خویشاوندان دور می‌تواند، گرم و ارضاء کننده باشد، اما این روابط ممکن است به همان اندازه مملو از تنش‌هایی باشد که افراد را دستخوش نوامیدی می‌سازد. و یا آن‌ها را سرشار از احساس عمیق اضطراب و گناه می‌کند. رویه ناخوشایند دارای جنبه‌های متعدد است؛

۱. ستیزه‌ها و دشمنی‌هایی که به جدایی و طلاق می‌انجامد.  
۲. تجاوزی جنسی نسبت به کودکان، ابتدا تصور می‌شد که این مربوط به زمان امروز و در گذشته کم بوده است به دلیل وجود تابوهای شدیدی که علیه این رفتار وجود داشته که اجازه‌ی گسترش این مسئله را نمی‌داده است اما در واقع این‌طور نبوده و بحث تجاوز جنسی نسبت به کودکان در همه زمان‌ها متداول بوده است.

### ۳. خشونت خانوادگی

خشونت در خانواده: سه حالت را مطرح می‌کند:

۱. علیه کودکان ۲. خشونت شوهران علیه زنان ۳. خشونت زنان علیه کودکان خردسال و شوهرانشان  
او می‌گوید: چرا خشونت خانوادگی تا این اندازه متداول شده است؛ معتقد است چندین دسته عوامل در این امر دخالت دارد؛

۱. ترکیب عواطف شدید و نزدیکی و صمیمیت شخصی، که به عنوان ویژگی زندگی خانوادگی است. مردی که نسبت به رفتارهای غیر عادی زنان دیگر شکلیست ممکن است چنان‌چه همسرش در یک مهمانی شام زیاد حرف بزند یا مطالب خصوصی را که او مایل است پنهان نگه دارد فاش سازد سخت برآشفته و خشمگین شود.

۲. عامل دوم : این واقعیت است که عملاً خشونت در خانواده به میزان زیادی تحمل می شود یا تایید می شود.

## جایگزین های ازدواج و خانواده

۱. تمدن ها ، مهمترین نمونه کنونی زندگی اشتراکی ، نمونه کیبوتص در اسرائیل است، اجتماعی از خانواده ها و افرادی است که در پرورش کودکان همکاری می کنند و هر کیبوتص به گونه ای عمل می کند که گویی یک خانواده است و مراقبت از کودکان به عنوان مسئولیت کل اجتماع تلقی می شود و نه خانواده و در برخی از آن ها کودکان در خانه های کودک زندگی می کنند نه با والدینشان و تنها معمولاً پایان هفته را با خانواده هایشان می گذرانند.

۲. زوج ها بدون این که ازدواج کرده باشند با هم زندگی کنند؛

**نکته :** در بعضی از کشورها ، از جمله بریتانیا قانون، اکنون حقوق افرادی را که با هم زندگی می کنند همانند حقوق زوج های متاهل به رسمیت می شناسد.

۳. بحث مجرد ماندن را مطرح می کند ؛ او می گوید دلیلش هم:

۱. افزایش طلاق ۲. پیشرفت شغلی ۳. تنوع بیشتر در تجربیات جنسی ۴. تعداد زیاد افراد سالخورده در جمعیت که همسران آن ها در گذشته اند. و مجرد بودن این امکان را می دهد که از آزادی و استقلال بیشتری برخوردار باشند.

## زوال خانواده

در بحث زوال خانواده بر خلاف برخی از صاحب نظران که معتقد هستند خانواده به معنای قدیمی آن از بین رفته است و رو به زوال است، بر عکس گیدنز معتقد است که نمی توان تغییرات عمده ایی که در ماهیت ازدواج و خانواده در حال رخ دادن است را انکار کرد اما واضح است که خانواده در آستانه‌ی فروپاشی، و زوال نیست و ازدواج و خانواده هم چنان نهادهای پایرجا و استواری خواهند بود.



## بررسی آراء گیدنز در باب خانواده بنابر نظریات جان برناردز Jann Bernards و اخلاق

### ناصری

"زن صالح شریک مرد بود در مال و شریک او بود در کدخدایی و تدبیر منزل و نایب او در وقت غیبت، و بهترین زنان، زنی بود که به عقل و دیانت و عفت و زیرکی و حیا و رقت دل و کوتاه‌زبانی و طاعت شوهر و بذل نفس در خدمت او و ایثار رضای او و وقار و هیبت، آراسته بود، و به مدارات و خوشخویی سبب مؤانست و تسلی غمها و زدودن احزان شوهر گردد

و همچنین باید که مال زن انگیزه رغبت نمودن به او نگردد، زیرا مال زنان سبب استیلا و تسلط و استخدام و تفوق ایشان باشد، و چون شوهر در مال زن تصرف کند، زن او را به منزلت خدمتکاری و معاونی شمرد و او را وزنی و واقعی ننهد" (اخلاق ناصری)

الف- با شنیدن کلمه « خانواده » معمولاً حس خوبی در آدم ایجاد میشود. احتمالاً از جمله نخستین کلماتی که با شنیدن این کلمه در ذهن تداعی میشود «امنیت» است و از جمله نخستین تصاویری که دختران و پسران علاقمند به تشکیل خانواده در ذهن میپروانند زن و مرد جوان و شادابی هستند که یکی دو کودک زیبا با لب‌های گل انداخته را عاشقانه در آغوش دارند... مادر بزرگ و پدر بزرگی که لبخندهای بزرگی به لب دارند... مادر زیبایی که با آرایش و رضایت کامل مشغول درست کردن کیک پرتغالی یا ژله با طعم طالبی است... پدری که خسته اما خوشحال به خانه بازگشته و بچه‌ها از سر و کولش بالا می‌روند... مادری که به استقبال پدر میرود... خانواده‌ای که حتماً خانه‌ای امن و آرام دارند که باغچه یا دست‌کم گلدان‌هایی دارد، احتمالاً ماشین هم دارند، مسافرت می‌روند، سلامتی دارند، خوشحالند، راضی هستند... خوشبختند! خانواده یک همچنین جایی باید باشد

آنتونی گیدنز اما چندان با این تصویر رویایی موافق نیست. او میگوید

"در جامعه مدرن خانواده در حقیقت جای بسیار خطرناکی است. بنابر آمار، فرد، در هر سنی و با هر جنسیتی، در خانه بیش از بیرون خانه در شب، در معرض حمله جسمی احتمالی قرار دارد. در بریتانیا از بین هر چهار قتل را یکی از اعضای خانواده بر علیه عضو دیگر مرتکب میشود"

من به این امر واقفم که این آمارها مربوط به بریتانیا است و نگاهی کوتاه به صفحه حوادث روزنامه‌های خودمان و یا حتی خانواده‌های اطرافمان به ما نشان خواهد داد که خوشبختانه کشور ما پر از خانواده‌های خوشبخت است!!

ب- کتاب درآمدی بر مطالعات خانواده نوشته جان برناردز که توسط آقای حسین قاضیانی ترجمه شده است در سال ۱۹۹۷ در انگلستان و با انگیزه نشان دادن لزوم ایجاد رشته دانشگاهی «مطالعات خانواده» در دانشگاه های این کشور منتشر شد. رشته مطالعات خانواده به عنوان یک رشته دانشگاهی پر رونق و تاثیر گذار به ویژه در کشور آمریکا و برخی کشورهای اروپایی از اهمیت به سزایی برخوردار است و نویسنده کتاب فقدان آن در انگلستان را مایه شرمساری می داند و امیدوار است مطالعاتی نظیر آنچه او انجام داده اهمیت وجود چنین رشته ای را نشان دهد. این کتاب نسبتاً تخصصی هشت فصل مفصل دارد که میتواند در کنار کتبی همچون اخلاق ناصری (باب تدبیر منزل) مورد استفاده پژوهشگران و برنامه ریزان مسائل زنان و خانواده، واعظان و البته سریال سازان تلویزیونی قرار گیرد. من در این یادداشت صرفاً به معرفی پاره ای از ایده های کلی مطرح در این کتاب میپردازم

ج- نویسنده در ابتدا کار خود را با به چالش کشیدن مفهوم «خانواده هسته ای» آغاز میکند. او میگوید:

اکثر ما در خانواده به دنیا می آیم و بیشتر سال های کودکی و نوجوانی خود را، خواه به اختیار و خواه به اجبار، در «خانواده» می گذرانیم. تصور رایج و همگانی از «خانواده هسته ای» تصویر خانواده ای مرکب از زوجی جوان، تقریباً همسن و سال، سفید پوست، ازدواج کرده از دو جنس مخالف، با یکی دو فرزند سالم است که در خانه ای مناسب زندگی میکنند. در چنین خانواده ای مسئولیت ها به وضوح تقسیم شده و مرد در آن اساساً نان آور و زن در اصل خانه دار و پرستار و گاه آورنده درآمد با شغلی پاره وقت یا موقت است. نویسنده پس از پروراندن این مفهوم اعتراف میکند که «چیز عجیبی که درباره این تصویر وجود دارد این است که چنین تصویری کاملاً غیر واقعی است.» چنین تصویری از خانواده جزئیات غنی و پرمایه ای از زندگی روزمره را حذف می کند و تمام جنبه های منفی زندگی خانوادگی را کاملاً نادیده می گیرد. «خانواده هسته ای یک نوع آرمانی یا یک سازه نظری است که از درک شهودی برگرفته شده است.» نویسنده خاطر نشان میکند که خانواده ها از نظر فرهنگی، طبقاتی، کارکردی، سیرزندگی و... بسیار متنوع هستند. واقعاً آیا همه شوهر ها نان آور خانواده اند؟ آیا همه زن ها خانه دارند؟ آیا همه اعضای خانواده سالم و سرحال هستند؟ آیا والدین همه به هم عشق می ورزند؟ آیا همه پدر مادرها عاشق بچه هایشان هستند؟ آیا والدین یا فرزندان هیچگونه انحراف اخلاقی ندارند؟ آیا همه ما با ادب و عاری از خشونتیم؟ آیا خانه ها برای بچه ها و زنان جایگاه امنی است؟ آیا همه بچه ها پدر و مادر دارند؟ آیا خانواده های تک والدی وجود ندارد؟

برناردز میگوید: «با در نظر گرفتن این گوناگونی ها خواهید دید که خانواده هسته ای جز در قالب تصویری نیرومند در اذهان مردم وجود خارجی ندارد.» ما معمولا از وجود مشکلات دامنگیری نظیر اعمال خشونت از جانب شوهران بر زنان، والدین بر کودکان، جوانان بر کهنسالان و از خیانت همسران به یکدیگر و از افسردگی های فراوان زنان بخاطر انجام وظایف ملال آور مادری و همسری و ارائه خدمات خانگی و از انحرافات اخلاقی والدین و فرزندان و از افزایش آمار طلاق و مشکلات پیش و پس از آن و از تاثیرات مخرب اعتیاد والدین به الکل یا مواد مخدر و از زنا با محارم و از ... و از ... صحبت نمیکنیم و این به هیچ وجه به معنای وجود نداشتن آنها نیست بلکه نشان دهنده الگوی معیوبی است که ما از خانواده ساخته ایم و ترویج میکنیم. حقایق را نمیبینیم و نمیگذاریم که در معرض دید قرار بگیرند و اینگونه آسیب های ناشی از آنها را به جامعه تحمیل میکنیم. منظورم در بریتانیا است

د- کتاب درآمدی بر مطالعات خانواده موضع همدلانه ای نسبت به مطالعات فمینیستی در حوزه خانواده دارد و نویسنده با اذعان به وضعیت نامطلوب زنان در خانواده میگوید: «آمار نشان میدهد که مردان متاهل به دلیل ازدواج از لحاظ سلامتی روحی و جسمی در مقایسه با مردان مجرد وضع بهتری دارند حال آنکه زنان متاهل از لحاظ سلامت روحی و جسمی نسبت به همتایان مجرد خود در وضع بدتری به سر می برند» به نظر من این آمار علی رغم تمام فشارهای فرهنگ سنتی ما بر زنان مجرد در جامعه ما هم تا حد زیادی میتواند راست باشد. گرچه ما در مورد هیچ چیز - بخصوص اگر مربوط به مسائل زنان و خانواده باشد- آمار درستی نداریم.

نویسنده میگوید بی تردید مهم ترین پدیده تاثیر گذار بر نظریه پردازی درمورد خانواده فمینیسم بوده است. علی رغم تنوع دیدگاه ها بطور کلی همه فمینیسم ها از زیر دست بودن زنان در خانه ناراضی اند و متعهد به پایان دادن نابرابری ها در خانواده هستند. همچنین نویسنده به پایگاه های نظری رشته مطالعات خانواده توجه دارد و بیان میکند که مطالعات خانواده در حوزه نظری از ایده های مدرنیستی مربوط به مطالعه خانواده هسته ای سرانجام به طرح رهیافت های نظری دیدگاه پست مدرنیستی انجامیده است. چنانکه رسم دیدگاه پست مدرن است اکنون علایق پژوهشگران این حوزه به سوی مواردی جزئی اما تاثیر گذار در خانواده متمرکز شده است.

بررسی موضوعات متنوعی از مسائلی مربوط به تنوع های قومی و نژادی و تاثیر آنها بر زندگی خانوادگی، به عبارت دیگر بررسی انواع زندگی های خانوادگی، آموزش هایی که همسران و والدین باید پیش از پذیرفتن نقش همسری یا والدگری دریافت کنند (در نگرش سنتی تلویحا تصور میشود

که همه والدین به نحوی از انجا میدانند که چگونه والدگری کنند، اما در جامعه مدرن دلایل خوبی برای تردید در این مورد وجود دارد) تا پدیده غر زدن زنان و بازنگری آن، تدارک غذا توسط مادران، «خرید خانه» به عنوان کاری عمدتاً زنانه که به شیوه ای مردانه سامان یافته است تا اسباب بازی های مروج سکس برای دختران و خشونت برای پسران و رسانه هایی که به این تصورات کلیشه ای دامن میزنند باید در دستور کار قرار گیرند

نویسنده یادآوری میکند که وظیفه مطالعات خانواده موعظه درباره بد بودن یا خوب بودن طلاق، سقط جنین، ازدواج، تک والدی بودن و مانند آن نیست وظیفه این رشته بررسی و پذیرفتن واقعیت ها و درک و دریافت چگونگی به حداقل رساندن درد و رنج و محنت و حداکثر رسانی شادی و خشنودی و عشق در زندگی خانوادگی است

ه- نویسنده در نهایت به ما پیشنهاد میدهد که با تقدم خانواده بر فرد، چه در زندگی اجتماعی و چه در زندگی شخصی احتمالاً به هدف مطلوب که همان تخفیف درد و رنج و تشدید رضایت و خشنودی است دست خواهیم یافت. نویسنده بر بازتعریف نقش ها و مشارکت بیشتر دولت در ارتقا کیفیت زندگی خانوادگی تاکید میکند چرا که در نهایت این جامعه است که از داشتن شهروندانی خوب نفع بسیار میبرد

همچنین او میگوید: « این واقعیت که زنان زایمان میکنند به معنای آن نیست که آنان برای خرید مواد غذایی، درست کردن غذا، مرتب کردن رختخواب، شستن لباس یا هر یک از صدها جز امور منزل و نگهداری و مراقبت از فرزندان نیز مناسب ترند» این مسئولیتها نباید امری بدیهی پنداشته شود. ما باید به فرهنگ سازی و آموزش «مادری کردن مردان» پردازیم و بیش از پیش، هم به لحاظ قانونی و هم به لحاظ فرهنگی، مردان را در امور مربوط به خانه و خانواده مشارکت دهیم.

و- مطالب کتاب بسیار متنوع تر و مفصل تر از آن چیزی است که در این یادداشت به آن اشاره کردم. به عنوان مثال نویسنده بخش مستقل و مفصلی را به کودکان و بررسی مسائل آنها به عنوان «بیگانه هایی آشنا» اختصاص می دهد که در جای خود بسیار خواندنی است. عناوین فصول این کتاب به ترتیب عبارت از: « زندگی خانوادگی » « نظریه پردازی درباره زندگی خانوادگی » « مطالعات خانواده » « خانواده ها در جامعه » « همسری » « والدگری » « مقدم داشتن خانواده » هستند